



Woman in Culture and Arts

The Reaction of the People of Gilan against the Law of Unification of Clothing and the Discovery of Hijab Focusing on the First Pahlavi Period and the Beginning of the Second Pahlavi

Javad Nazarimoghaddam¹ 

1. Assistant Professor, Research Institute of Gilan Studies, University of Gilan, Rasht, Iran. Email: j.moghaddam@guilan.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 19 August 2023

Received in revised form: 28 October 2023

Accepted: 13 October 2024

Published online: 30 March 2025

Keywords:

Gilan,
Hijab,
Pahlavi,
Reza Shah,
Women.

ABSTRACT

One of the most important and challenging cultural and social measures of the first Pahlavi period was the removal of the hijab and the alteration of Iranian women's attire. This action was implemented with the intention of modernizing Iranian society and implementing the western development model. The veil removal law's imposition by the government on the people with the aim of removing the veil, in contrast to the requirements and national and religious values of Iranian society, resulted in widespread opposition from a variety of social groups. The study of this part of the contemporary history of Iran provides a clear picture of the cultural policies of the Pahlavi period and how the Iranian society faced it. This research endeavors to examine the manner in which the inhabitants of Gilan encountered the veil removal law by employing a descriptive and analytical methodology and utilizing documents from the Pahlavi period. Despite the fact that the results of this research do not corroborate the findings of previous studies regarding the absence of significant resistance from the people of Gilan against the veil removal law, they demonstrate that the requisite ground and platform for the acceptance of veiling in Gilan, as well as in other regions of Iran, are not present. They have demonstrated opposition to this action, which is incompatible with the culture and identity of Iranian society. Despite the fact that a portion of the social classes, particularly the intellectuals and aristocratic classes, embraced Pahlavi's actions and social reforms, it encountered resistance from a substantial portion of the populace and scholars as a result of the cultural conditions and social structures that governed Iranian society, ultimately leading to its failure.

Cite this article: Nazarimoghaddam, J. (2025). The reaction of the people of Gilan against the law of unification of clothing and the discovery of hijab, Focusing on the first Pahlavi period and the beginning of the second Pahlavi. *Woman in Culture and Art*, 17(1), 117-132.

DOI: <https://orcid.org/10.22059/jwica.2024.363459.1949>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://orcid.org/10.22059/jwica.2024.363459.1949>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

واکنش مردم گیلان در برابر قانون اتحاد لباس و کشف حجاب با تمرکز بر دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم

جواد نظری مقدم^۱ ۱. استادیار گروه مردم‌شناسی پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: j.moghaddam@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰</p>	<p>تغییر لباس و برداشتن حجاب از سر زنان ایرانی یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین اقدامات فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی اول به‌شمار می‌رود که با هدف نوسازی جامعه ایرانی و تحقق الگوی توسعه غربی انجام گرفت. عدم تناسب قانون کشف حجاب با اقتضائات و ارزش‌های ملی و دینی جامعه ایرانی و تحمیل آن از سوی دولت به مردم، مخالفت‌های گسترده‌ای از گروه‌های مختلف اجتماعی را به دنبال داشت. مطالعه این بخش از تاریخ معاصر ایران تصویر روشنی از سیاست‌های فرهنگی دوره پهلوی و چگونگی مواجهه جامعه ایرانی با آن را ارائه می‌کند. در این پژوهش، با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کشف حجاب در دوره پهلوی، چگونگی مواجهه مردم گیلان با قانون کشف حجاب بررسی می‌شود. یافته‌های این پژوهش ضمن رد نتایج پژوهش‌های قبلی مبنی بر عدم مقاومت چشمگیر مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب نشان می‌دهد زمینه و بستر لازم برای پذیرش کشف حجاب در گیلان همچون دیگر مناطق ایران فراهم نبوده و مردم گیلان در برابر این اقدام ناهمساز با فرهنگ و هویت جامعه ایرانی از خود مقاومت نشان داده‌اند. اگرچه این دست اقدامات و اصلاحات اجتماعی پهلوی مورد پذیرش بخشی از طبقات اجتماعی به ویژه روشنفکران و طبقات اشراف قرار گرفت؛ اما به دلیل شرایط فرهنگی و ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی، با مقاومت بخش قابل توجهی از مردم و علما روبرو شد و عملاً به شکست انجامید.</p>
<p>کلیدواژه‌ها: حجاب، زنان، پهلوی، رضاشاه، گیلان.</p>	

استناد: نظری مقدم، جواد (۱۴۰۴). واکنش مردم گیلان در برابر قانون اتحاد لباس و کشف حجاب با تمرکز بر دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۷(۱)، ۱۱۷-۱۳۲. DOI: <https://orcid.org/10.22059/jwica.2024.363459.1949>

DOI: <https://orcid.org/10.22059/jwica.2024.363459.1949>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

از اوایل عصر قاجار و به موازات مواجهه جامعه ایرانی با غرب، این پرسش شکل گرفت که چرا ایران در مقایسه با غرب پیشرفته، عقب مانده است. یکی از رایج‌ترین پاسخ‌های جامعه روشنفکری به این پرسش مهم، این بود که ایرانی دلیل عقب‌ماندگی خود را باید در سنت و فرهنگ جستجو کند؛ بنابراین بسیاری از سنت‌ها و باورهای دینی و سنتی جامعه ایرانی مورد نقد قرار گرفت. دولت پهلوی به‌مثابه الگوی جدیدی از ساختار سیاسی در تاریخ معاصر ایران که از همراهی بخشی از جامعه روشنفکری برخوردار بود، تلاش کرد با انجام اصلاحات فرهنگی، زمینه مدرن‌سازی جامعه ایرانی و در نتیجه زمینه تغییر فرهنگی و هویتی، و حذف سنت، ارزش‌ها و هنجارهایی را که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایرانیان داشته، فراهم کند. رضاشاه، سنت را یکی از مهم‌ترین موانع توسعه جامعه ایرانی می‌دانست. از این رو درصدد حذف بسیاری از مظاهر سنتی برآمد. براین اساس، تغییر لباس و کشف حجاب زنان، از اقداماتی بود که در دستور کار دولت پهلوی اول قرار گرفت.

در راستای اجرای سیاست کشف حجاب، دستورالعمل‌هایی برای ممانعت از پوشش چادر و لباس‌های سنتی و حجاب در مدارس و اماکن عمومی ابلاغ شد. تلاش شد تا با اعمال زور و اجبار از سوی حکومت، زمینه کشف حجاب و تغییر لباس زنان در سطح وسیعی از کشور فراهم شود. اگرچه این دست اقدامات و اصلاحات اجتماعی پهلوی مورد پذیرش بخشی از طبقات اجتماعی به‌ویژه روشنفکران و طبقات اشراف قرار گرفت؛ اما به دلیل شرایط فرهنگی و ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی، با مقاومت بخش قابل توجهی از مردم و علما روبه‌رو شد و عملاً به شکست انجامید. در بسیاری از شهرهای ایران اعتراضاتی در جهت مقابله با این سیاست اجباری و مغایر با ارزش‌های دینی و سنتی صورت گرفت. علما و مردم گیلان نیز مانند بسیاری از مردم شهرهای دیگر ایران در برابر این اقدام دولت ایستادند. چگونگی مواجهه مردم گیلان با این سیاست فرهنگی پهلوی، در اسناد حکومتی دوره پهلوی بازتاب پیدا کرده است.

مطالعه این بخش از تاریخ معاصر ایران تصویر روشنی از سیاست‌های فرهنگی دوره پهلوی و چگونگی مواجهه جامعه ایرانی با آن را ارائه می‌کند. پژوهش حاضر، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: ۱. واکنش علمای گیلانی در برابر اجرای سیاست کشف حجاب در گیلان چگونه بوده است؟ ۲. با اتکا بر اسناد تاریخی، واکنش مردم گیلان در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم در برابر سیاست کشف حجاب چگونه بوده است؟

این مطالعه یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است که در آن با استفاده از منابع تاریخی و مطالعه اسناد مرتبط با موضوع کشف حجاب در گیلان، چگونگی واکنش مردم این منطقه در برابر اجرای

قانون اتحاد شکل لباس و کشف حجاب بررسی می‌شود. از حیث زمانی و تاریخی، اسناد دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم در نقطه تمرکز این پژوهش است و از حیث مکانی، اسناد مربوط به همه شهرهای گیلان مطالعه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

مجموعه مقالات همایش ملی «قیام گوهرشاد: رویارویی فرهنگ ایرانی اسلامی با فرهنگ مهاجم غرب» که هادی و کیلی (۱۳۹۶) در قالب دو مجلد منتشر کرده، حاوی مقالاتی درباره تحلیل کشف حجاب و نقش مطبوعات و روشنفکران در آن و واکنش برخی از مناطق ایران در برابر این سیاست دوره رضاخانی است. بخش قابل توجهی از این مقالات با رویکرد تاریخی به موضوع کشف حجاب پرداخته‌اند.

عبداللهی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «طومار عفت، آیت‌الله شیخ یوسف جیلانی و مقابله با کشف حجاب رضاخان» ضمن معرفی آیت‌الله نجفی جیلانی (گیلانی) نویسنده کتاب *وسيلة العفایف یا طومار عفت* به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار که در دوره پهلوی اول در دفاع از حجاب و مقابله با کشف حجاب نگاشته شده، به شرح مبارزات این عالم گیلانی و چگونگی برخورد حکومت با وی پرداخته است.

پژوهش زندیه و اسرافیلیان (۱۳۹۹) با عنوان «کشف حجاب در ایالت استرآباد (واکنش‌ها و پیامدها)» با تمرکز بر موضوع کشف حجاب در ایالت استرآباد به‌عنوان یکی از مناطق شمالی ایران با استناد به گزارش‌های اسناد نشان داد با وجود واکنش‌های منفی برخی از مردم، نهضت کشف حجاب در ایالت استرآباد با واکنش تندی از سوی جامعه روبه‌رو نشد.

ناصر عظیمی (۱۳۹۹) در جلد دوم کتاب *پنج‌جلدی تاریخ گیلان*، اشاره‌گذاری به واقعه کشف حجاب در گیلان و واکنش علما و مردم گیلان به آن داشته است. پناهی و حنیفه (۱۴۰۱) در مطالعه «کنش‌ها و واکنش‌های مردم گیلان در برابر اجرای قانون اتحاد لباس و کشف حجاب» به بررسی واکنش مردم شهرهای رشت، لاهیجان و انزلی در گیلان در برابر اجرای قانون اتحاد لباس و کشف حجاب از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ پرداختند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که قانون کشف حجاب در گیلان با مقاومت چندانی از سوی مردم گیلان روبه‌رو نشد و به‌سرعت بیشتری مورد پذیرش جامعه قرار گرفت. عامل اصلی در پذیرش این قوانین در گیلان، همراهی روحانیان و بزرگان شهرهای آن با برنامه‌های دولت و آشنایی مردم گیلان با فرهنگ اروپایی بود.

با نگاهی به آثار و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه درخواست خواهیم یافت عمده آثار به‌صورت دسته‌وگریخته با تمرکز بر تعداد معدودی از اسناد دوره پهلوی اول و عدم بررسی اسناد سال‌های آغازین پهلوی دوم، به بررسی موضوع کشف حجاب در گیلان پرداخته‌اند. در این پژوهش، ضمن توجه به اسناد کشف حجاب در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم، تصویر نسبتاً روشنی از چگونگی واکنش مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب ارائه می‌شود.

۳. مبانی نظری

طرح کشف حجاب در دوره پهلوی با هدف ایجاد تغییر در ساحت فرهنگی و اجتماعی در ایران از سوی دولت در سطح وسیعی دنبال شد. اگرچه تغییرات در هر جامعه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد، بی‌توجهی به ارزش‌های حاکم بر جامعه مهم‌ترین مانع در برابر شکل‌گیری تغییرات در جامعه خواهد بود (Javadi, 2010: 52). حتی اگر این تغییرات به‌صورت برنامه‌ریزی شده و از سوی نهاد قدرتمند دولت اعمال شود، در صورتی که با فرهنگ و باورهای مذهبی جامعه همساز نباشد، با موانع فرهنگی، اجتماعی و روانی و اقتصادی متعددی روبه‌رو می‌شود (Jamshidi & Najafian, 2013: 39). از نگاه فاستر، اعتقادات و باورها و ارزش‌های اجتماعی فرهنگی جامعه، عدم تناسب تغییر با ساخت فرهنگ جامعه، غرور و حفظ آبرو، و خودمداری فرهنگی از سوی کارگزار تغییر، از جمله مهم‌ترین موانع در برابر تغییرات به‌شمار می‌روند (Foster, 1999: 139-152).

براساس طرح نظری پژوهش پروژه کشف حجاب در ایران، در راستای مدرن‌سازی جامعه ایرانی و سنت‌زدایی دولت پهلوی و یکی از راه‌حل‌های جریان نوگرا در ایران معاصر جهت تغییرات اجتماعی و رسیدن به توسعه قابل‌تعریف است. اما از آنجا که دین و باورهای مذهبی، عنصر رئیسه و مرکزی فرهنگ ایرانی در طول قرن‌ها به‌شمار می‌رود، هرگونه اقدامی در جهت مبارزه با مظاهر دینی و سنت با مواجهه و واکنش جامعه ایرانی روبه‌رو می‌شود. بر این مبنا فرضیه پژوهش این است که پروژه کشف حجاب دولت پهلوی به‌دلیل مغایرت با فرهنگ و اقتضائات جامعه ایرانی با واکنش منفی و مقاومت مردم مناطق مختلف ایران از جمله گیلان روبه‌رو شد و به شکست انجامید.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. بررسی روند تاریخی تغییر لباس و کشف حجاب

تغییر لباس در دوره پهلوی، ابتدا در تاریخ ۶ دی ۱۳۰۷ با تصویب «قانون متحدالشکل کردن البسه اتباع ایران در داخله مملکت» با هدف استفاده مردان از کلاه پهلوی و کتوشلوار شروع شد. چندی

بعد، از سال ۱۳۱۳، استفاده از کلاه شاپو به جای کلاه پهلوی اجباری شد، اما اجرای این قانون در نقاط مختلف گیلان به‌ویژه در مناطق روستایی و غیرشهری، به‌سرعت پیش نمی‌رفت و از سوی مردم رعایت نمی‌شد. در آذر ۱۳۱۴ محمود جم، رئیس‌الوزرای وقت، بخشنامه‌ای تهیه و به دربار پهلوی ارسال کرد و رضاشاه این بخشنامه را به‌طور علنی در ۱۷ دی طی جشن فارغ‌التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران به اجرا درآورد (Azimi, 2019: 156-162).

اما بررسی روند اجرای طرح کشف حجاب در ایران نشان می‌دهد اگرچه غالباً روشنفکران، دولتمردان، متمولان و طبقه اشراف، برخی تحصیل‌کردگان فرنگ و مدارس جدید از طرح کشف حجاب استقبال کردند، همه این گروه‌های سیاسی و اجتماعی در مقایسه با سایر طبقات اجتماعی از قبیل اکثریت روحانیان، بازاریان و توده مردم شهری و روستایی در ایران که در مقابل این سیاست پهلوی واکنش منفی داشتند، در اقلیت بودند (Salah, 2004: 178).

اگرچه قانون کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ از سوی دولت پهلوی ابلاغ شد، پیش از آن اقداماتی برای زمینه‌سازی کشف حجاب در ایران از سوی دولت و جامعه روشنفکری و مطبوعات و جراید انجام گرفت. در گیلان، پیش از بخشنامه دولتی کشف حجاب، آزادی زنان و کشف حجاب، موضوع برخی محافل روشنفکری و مطبوعات بوده است که ریشه آن را باید در رویکرد حاکم بر جریان روشنفکری پس از مشروطه در ایران و تلاش آنان برای گذار جامعه از سنت به مدرنیته جستجو کرد. برخی از پژوهش‌های تاریخی بر این نکته تأکید دارند که پس از مشروطه، زنان روشنفکر گیلانی با راه‌اندازی انجمن‌های خاص بانوان، تأسیس مدارس دخترانه، چاپ نشریات و دیگر فعالیت‌های اجتماعی نقش مهمی در نوسازی و مدرن‌سازی ایران و گذار جامعه از سنت به سوی مدرنیته داشتند (Zandiyeh & Esrafilian, 2019: 233).

برای مثال روزنامه «پرورش» چاپ رشت در شماره ۹ خرداد ۱۳۰۴ مطلبی با عنوان «عالم نسوان» منتشر کرد که در آن، نویسنده مقاله، به نظراتی که در شماره‌های پیشین روزنامه در موافقت با کشف حجاب درج شده بود، اعتراض کرد و نوشت که آزادی زنان می‌تواند مفاسدی برای جامعه به دنبال داشته باشد (Parvash newspaper, 1925/3/9). روزنامه «البرز» رشت در سال ۱۳۰۷ و در شماره ۸ خود اشعاری در ستایش بی‌حجابی زنان درج می‌کند (Organization of National Documents and Documents of Iran, 310/19213). مجله «بیک سعادت نسوان» که توسط روشنگر نوع‌دوست در رشت منتشر می‌شد، در آذر ۱۳۰۹ حجاب را یکی از موانع ترقی و تمدن ایرانیان معرفی کرد (Peik Saadat Nesvan, 1903: 14).

۴-۲. واکنش علما و مجتهدان گیلانی

در رشت، در یکی از گزارش‌های حکومت محلی گیلان و طوالتش خطاب به دولت مرکزی در زمینه اجرای شدن سیاست کشف حجاب به این نکته اشاره شده که در شهرهای گیلان زمینه بیشتری برای پذیرش و پیشرفت وضعیت کشف حجاب وجود داشته و برخی روحانیان با سیاست کشف حجاب رضاخانی همراهی و همسویی داشته و دختران خود را بدون حجاب به مجالس عمومی نهضت بانوان فرستاده‌اند (National Documents Organization of Iran, 310/18494)، اما با اتکا به شواهد تاریخی می‌توان گفت اکثریت روحانیان گیلان هیچ‌گاه نتوانستند با این سیاست کنار بیایند و به مقابله با کشف حجاب برخاستند. علمای گیلان از چند سال پیش از صدور فرمان عمومی کشف حجاب، در مواجهه با مطالبی که گاه در برخی مطبوعات علیه حجاب انعکاس می‌یافت، سکوت نکردند و اعتراض خود را به حکومت اعلام می‌داشتند. درج برخی اشعار با مضامین کشف حجاب زنان در شماره ۸ روزنامه «البرز» رشت در سال ۱۳۰۷، واکنش برخی از علمای گیلان از جمله شیخ حسین لاکانی را به دنبال داشت و آنان خواستار توقیف روزنامه شدند (National Documents Organization of Iran, 310/19213).

یکی از شاخص‌ترین علمای گیلانی که در این زمینه نقش چشمگیری داشت، آیت‌الله شیخ یوسف جیلانی بود. وی چند سال پیش از ابلاغ قانون کشف حجاب و در سال ۱۳۰۷ با تألیف کتاب *وسيلة العقایف یا طومار عفت*، ضمن بیان ویژگی‌های مثبت حجاب زنان، کشف حجاب را به نقد کشید. حکومت رضاشاه تلاش کرد مانع نشر این کتاب شود، اما نویسنده پیش از اقدام حکومت، نسخه‌های متعددی را توزیع کرده بود. این اثر شاخص، از منابع مهمی است که مورد استناد آثار مکتوبی قرار گرفته که پس از آن در زمینه حجاب نوشته شدند (Jafarian, 2010:80). کتاب *طومار عفت* جلد دیگری نیز دارد که با توجه به شرایط خفقان دوره پهلوی، امکان نشر آن هیچ‌گاه فراهم نشد، اما در حال حاضر، چند نسخه خطی از این کتاب در میان اسناد آیت‌الله جیلانی وجود دارد (Abdullahi, 2016: 249).

آیت‌الله جیلانی به خاطر تألیف کتاب *طومار عفت*، مورد آزار و اذیت رضاخان قرار گرفت و ضمن تحمل شکنجه و حبس، پس از مدتی به فومن تبعید شد و تحت نظر بود (Shams, 1948: 110). شجونی فومنی در خاطراتش نقل کرده است ریش این عالم دینی را تراشیده بودند و در افواه مردم گفته می‌شد که حکومت ریش ایشان را خشک‌خشک تراشیده است (Ismaili, 2009: 34). در خاطرات آیت‌الله احسان‌بخش نیز به قضیه تبعید و تراشیدن ریش وی اشاره شده است (Ehsanbakhsh, 2006: 70).

شمس گیلانی فرزند اعتمادالواعظین نقل می‌کند که پدرش که همواره مورد غضب حکومت بوده، در سال ۱۳۱۴ در زمان رضاخان، در ایام فاطمیه همان سال به دلیل مخالفت با سیاست دولت در زمینه کشف حجاب زنان، بازداشت شد و چهل و پنج روز در حبس بود. به گفته شمس گیلانی، اعتمادالواعظین پس از آزادی از زندان، محبوبیت و جایگاه بیشتری در نزد عوام و خواص جامعه پیدا کرد (Shams, 1948: 71).

آیت‌الله بحرالعلوم و آیت‌الله حاج شیخ علی علم‌الهدی فومنی، از دیگر علما و مجتهدان گیلانی بودند که به دلیل مواضعشان تحت پیگرد دولت پهلوی بودند و به دلیل اعتراض به قضیه کشف حجاب و دیگر برنامه‌های فرهنگی دولت مورد آزار و اذیت قرار گرفتند (Ministry of Information, Historical Documents Review Center, 2006:51 & Adhamnejad, 2003: 104). آیت‌الله شریعتمدار رشتی، از علمای گیلانی، و سه تن از عالمان مطرح و نامدار تهران، از سوی حکومت مکلف شدند تا مجلسی در خانه‌های خود ترتیب دهند و علمای شهر را با همسرانشان بدون حجاب در خانه‌های خود دعوت کنند، اما آنان از اجرای دستور حکومت سر باز زدند و تسلیم نشدند (Memoir of Ayatollah Tehrani, 2011: 83).

۳-۴. انعکاس مسئله حجاب در شعر شاعران گیلانی

برخی از جامعه شاعران، اشعار و سروده‌هایی در باب دفاع از حجاب یا بر ضد بی‌حجابی سرودند که بخش قابل توجهی از آن در کتاب *احسن الحکایات فی حجاب السافرات* گردآوری شده است. ایرج میرزا و میرزاده عشقی و برخی دیگر از شاعران در آثار خود به تأیید و تشویق بی‌حجابی پرداختند. برخی از شعرای گیلانی نیز از جمله محمد کسمایی، گلچین گیلانی و جودی لنگرودی، در اشعار خود، حجاب را نقد و نکوهش کردند. محمد کسمایی، از شعرای گیلانی، ضمن ترغیب زنان به کشف حجاب و آموختن علم، حجاب را مانعی بر سر راه کسب دانش معرفی کرد:

دخترآ پرده بیفکن ز رخ چون قمرت زچه می‌ترسی اگر اوفند از کس نظرت
(Afshar, 1974: 73)

برخی دیگر از شعرای گیلانی ضمن پاسخ به اشعار مروج بی‌حجابی، ابیاتی در نقد و نکوهش آن سرودند (Rastgoo, 2008: 27). آقا محمد عاصی رشتی در پاسخ به قصیده ضد حجاب ایرج میرزا سرود:

هر آنکه کوشش رفع حجاب بنماید خدای خانه عمر ورا خراب کند
(Najafi, 1928: 210)

شاعر دیگری به نام کاظم لاکانی گیلانی در قصیده‌ای سیزده‌بیتی در ستایش حجاب، این‌گونه آورده است:

ای پری روی بنه چادر عفت به سرت وی سیه موی مکن پرده عصمت ز برت
(Afshar, 1974: 385)

اسماعیل دهقان نیز از دیگر شاعران گیلانی بود که در اشعار خود ضمن نقد روحیه غرب‌زدگی متجددان در عصر پهلوی اول، به دفاع از حجاب پرداخت:

دختر می‌کنم از مغلظه‌کاران خیرت که مبادا ببرند از ره عفت به درت
(Afshar, 1974: 383)

سید اشرف‌الدین (نسیم شمال) و احمد رشتی نیز از دیگر شاعرانی بودند که اشعاری در دفاع از حجاب و نکوهش بی‌حجابی سرودند. آیت‌الله جیلانی برخی از سروده‌های آنان را در کتاب خود آورده است (Najafi, 1928: 211, 156, 138).

۴-۵. گزارش‌های مربوط به کشف حجاب در دوره پهلوی اول

حکومت پهلوی از حساسیت مردم مناطق مختلف ایران به کشف حجاب آگاه بود؛ بنابراین، دولت مرکزی اقدامات پیشگیرانه‌ای برای مقابله با مقاومت احتمالی مردم شهرها اتخاذ کرد. بر همین اساس، سرلشگر ضرغامی، رئیس ارکان حرب قشون (ستاد ارتش) در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۱۴ برای جلوگیری از شکل‌گیری اجتماعات و اعتراضاتی علیه قانون کشف حجاب، ابلاغیه‌ای دستوری خطاب به نیروهای نظامی گیلان و دیگر شهرهای ایران نوشت (Ministry of Information Historical Documents Review Center, 2006: 250).

تلگراف محرمانه حاکم رشت به حکومت مرکزی حاکی از آن است که در پاره‌ای قسمت‌های گیلان، مقاومت‌هایی در برابر تحمیل کشف حجاب زنان صورت گرفته است. در این تلگراف، اگرچه حاکم رشت ابراز امیدواری کرد که سیاست‌های حکومت در خصوص جلوگیری از تعزیه، سینه‌زنی و قمه‌زنی و تغییر لباس عملی شود، اما تأکید شد که برنامه کشف حجاب در گیلان از «مشکل‌ترین کارهاست» (Organization of National Documents and Documents of Iran, 1992: 277).

اسناد کشف حجاب حاکی از آن است که مخالفت‌های امیرابراهیم (سالار محتشم سابق) حاکم و رئیس بلدیة آستارا با اجرایی‌شدن قانون کشف حجاب موجب شد تا برخی از مأموران نظامی گزارشی علیه او خطاب به شخص رضاشاه ارسال کنند و ضمن معرفی او به‌عنوان عنصری کهنه‌پرست و

ممانعت وی از اجرایی شدن «نهضت بانوان و کشف حجاب» در آستارا پیشنهاد تغییر و جابه‌جایی یا آشناکردن رئیس بلدییه به وظایف حکومتی خود را مطرح کنند. شخص رضاشاه بلافاصله پس از دریافت گزارش، دستور برکناری وی را صادر کرد و در پاسخ به نامه‌ای در این رابطه نوشت: «به وزارت داخله نوشته شود از حکومت فوراً او را بردارند» (Ministry of Information Historical Documents Review Center, 2006: 278).

در برخی از اسناد این دوره گزارش شده که افرادی مانند حاج سید حسین مغیثی فومنی (مقیسی)، آقا سید ابوالقاسم و سید جلال در فومنات و شفت، اقداماتی در جهت جلوگیری از پیشرفت امر رفع حجاب در این منطقه انجام داده‌اند. از میان این سه تن، نام سید حسین مغیثی و اقدامات تحریک‌آمیز این روحانی بیشتر در اسناد ذکر شده است. در گزارش مأموران حکومتی آمده است که این افراد «اظهاراتی بر علیه رفع حجاب نموده بودند... در هیچ‌یکی از مجالس جشن‌هایی که از طرف حکومت و بلدییه فومنات برای رفع حجاب تهیه شده بود، حاضر نشده» (Ministry of Information Historical Documents Review Center, 2006: 333). در گزارش ستوان یکم، علی منافی، در دایره تیپ مختلط مستقل گیلان، ضمن شرح اقدامات این افراد و به‌ویژه سید حسین مغیثی آمده است:

«...حکومت فومنات برای اجرای این منظور (قانون کشف حجاب) از حمای فومن التزام گرفته که زن‌های چادردار را به حمام راه ندهند. اشخاص مزبور مخصوصاً حاجی سید حسین (مغیثی) اسبابی فراهم کرده، در اثر تحریکات به حمای ... نموده و زن‌های خودشان را شب‌ها به حمام می‌فرستند» (Ministry of Information Historical Documents Review Center, 2006: 324).

برخی از اسناد وزارت عدلیه نشان می‌دهد از زمان شروع قانون کشف حجاب تا نیمه اول سال ۱۳۱۷، حدود ۱۴ هزار چادر سیاه و چادر نماز توقیف شده در شهربانی گیلان موجود بود که صاحبان آن معلوم نبود و به دلیل مندرس بودن و غیرقابل استفاده بودن این چادرها خواسته شد تا اجازه سوزاندن و نابودکردن آن‌ها توسط مرجع ذی‌صلاح صادر شود (Documents Organization of Iran, 298/82335). البته باید توجه داشت که این حجم از چادرهای توقیفی، آماری است که تنها در این چند سند باقی‌مانده از این دوره تاریخی ذکر شده و ممکن است در مواردی گزارش‌ها مستند و ثبت نشده باشد.

یکی از اسناد تاریخی نشان می‌دهد دو سال پس از صدور فرمان کشف حجاب، زنان بسیاری در گیلان با حجاب در فضاهای عمومی رفت‌وآمد می‌کردند. با توجه به ارسال گزارش‌هایی از سوی

برخی منابع به تهران مبنی بر استفاده زنان گیلانی از چادر، این مسئله موجب نگرانی حکومت مرکزی شد و در این زمینه مکاتباتی میان وزارت کشور و حکومت گیلان و طولش انجام گرفت. در نوزدهم فروردین ۱۳۱۶ حکومت گیلان در نامه‌ای محرمانه خطاب به وزارت کشور، ضمن توجیه شرایط حاکم بر گیلان می‌نویسد: «راجع به گزارشی که در خصوص نهضت بانوان رسیده و مرقوم فرموده‌اید که غالب زن‌ها چادر استعمال می‌نمایند، جداً و قویاً تکذیب می‌نمایند... ولی چون کارگرهای گیلان در قسمت زراعت برنج به‌طور عموم و در قسمت چای‌کاری و چای چینی به‌طور غالب و همین‌طور سایر اقسام زراعت به عهده زن‌ها واگذار است و این نوع عمل‌جات چادر سفیدی به کمر بسته و در مزارعی که کار می‌نمایند، همراه دارند یا در موقع بارندگی و آفتاب‌های سوزان پارچه روی سر خود انداخته از آفتاب و باران تا درجه محفوظ بمانند و البته وقتی که فراغت حاصل می‌نمایند تا به محل خود برسند، این روی سری را با خود دارند و شاید اشخاصی در عبور دیده‌اند و گزارش داده‌اند و جلوگیری از این قسمت هم تقریباً غیرممکن است» (National Documents (Organization of Iran, 293/108).

در ادامه نامه، حاکم گیلان به این نکته اشاره می‌کند که این نوع از پوشش، در گیلان متداول و مرسوم بوده و ممنوعیت آن، آسیب جدی به حوزه کشاورزی و زراعت استان وارد خواهد کرد.

۴-۶. گزارش‌های مربوط به قانون کشف حجاب پس از رضاشاه

پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین، رضاشاه از قدرت خلع شد و فرزندش به سلطنت رسید. اقدامات خشونت‌آمیز ریاست شهربانی گیلان در سال‌های آغازین این دوره و برخورد توهین‌آمیز مأموران با زنان چادری و محجبه موجب شد تا جمعی از مردم رشت عرض‌حالی خطاب به سهیلی، نخست‌وزیر وقت بنویسند و ضمن بیان شرح حال خود، خواستار رسیدگی حکومت به این وضعیت شوند. این سند تاریخی گواهی است بر اینکه کشف حجاب در گیلان هیچ‌گاه مورد پذیرش عموم جامعه قرار نگرفته است؛ چه اینکه به‌موجب این سند، پس از گذشت هفت سال از آغاز قانون کشف حجاب، حتی پس از سرنگونی رضاشاه و ایجاد فضای نسبتاً باز سیاسی، شهربانی گیلان همچنان از قوه قهریه برای اجرائی شدن قانون کشف حجاب استفاده می‌کرد. امضاکنندگان نامه که حدود ۵۰۰ نفر از اهالی رشت هستند، ضمن انتقاد از برداشتن اجباری چادر از سر زنان و اجرائی سیاست کشف حجاب دوره رضاخانی خطاب به سهیلی می‌نویسند:

«در چند سال قبل فقط به زور و قدرت شخصی بدون استناد به مجوز قانون مقدس دیانتی، رشته محکمی که بالغ بر هزار و سیصد سال در ایران باقی و استمرار داشت، پاره شده و چادرها از سر

بانوان ایران به نام رفع حجاب برداشته شد که هنوز رویه فجیعانه که در طرز اجرا و عمل، قلوب طبقات مختلفه ایران را جریحه دار نموده... و عموماً متأسف و در پیشگاه قانون و دیانت خجل و شرمسارند.»

در ادامه نامه، اهالی رشت که از اقدامات «شوکت»، رئیس شهربانی گیلان در برخورد با زنانی که با «چادرنماز» در معابر عمومی حضور می‌یافتند، به شدت ناراحت بودند، از نخست‌وزیر می‌خواهند که دستور دهند تا از ادامه این تعرضات جلوگیری شود. مردم رشت در این نامه گزارش می‌کنند:

«ایشان (رئیس شهربانی) همان افکار مالیحولیایی قدیم را تعقیب و به وسیله آگهی رسمی، بانوان را به برداشتن همان جامه (چادرنماز) ابلاغ و به مخالفت امر خود بانوان را تهدید شدید نموده... با پاسبان مسلح و صاحب‌منصبان شهربانی در خیابان‌ها و معابر و کوچه‌ها با بانوان مزاحمت نموده و با سرنیزه همان جامه را از سر بانوان برداشتند. دوباره منظره فجیعی را ایجاد و قلوب همگانی را آزرده... اینک استدعا می‌نماییم... از این‌گونه اقدامات خودسرانه جلوگیری به عمل آید» (Organization of National Documents and Documents of Iran, 1992: 283).

بی‌اعتنایی دولت سهیلی به اعتراض جمعی اهالی رشت سبب شد تا مردم نامه دیگری در تاریخ ۱۳۲۲/۱/۲۷ خطاب به مجلس شورای ملی بنویسند و در آن نامه، رفتار مأموران شهربانی را به رفتار «جلادهای دوره استبدادی» یعنی دوره رضاخانی تشبیه کردند (Jafari, 1992: 414). با توجه به ارسال رونوشتی از این نامه به آیت‌الله کاشانی، ایشان به این مسئله واکنش نشان داد و نامه‌ای خطاب به وزارت داخله وقت یعنی حسین سمیعی نوشت و خواستار توقف این برخوردها و تعرض مأموران به زنان چادری و محجبه شد (Salah, 2004: 287).

نامه اهالی رشت و پیگیری مداوم آیت‌الله کاشانی و مکاتبات رسمی وی با نخست‌وزیر و دیگر مقامات در این دوره حاکی از آن است که موضوع کشف حجاب در گیلان مانند دیگر شهرها و مناطق ایران واکنش مردم را به دنبال داشته و حکومت در این مسیر به دلیل عدم پذیرش این مسئله از سوی مردم گیلان، چاره‌ای جز اعمال زور و جبر نداشته است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این ادعا که قانون کشف حجاب در گیلان بدون کمترین زحمت، اجرا و پذیرفته شده با واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد.

محتوای دادخواست بدون امضای یکی از شهروندان گیلانی، در ۲۱ مرداد ۱۳۲۱، خطاب به دفتر نخست‌وزیری نیز حاکی از رفتار خشونت‌آمیز مأموران شهربانی با مردم و به‌ویژه زنان چادری دارد. در این دادخواست، ضمن اشاره به وضعیت اسفناک معیشتی مردم و کمبود نان و برنج، از رفتار زشت مأموران با یک زن تهیدست که پس از چند روز به‌سختی توانسته بود مختصر برنجی تهیه کند و آن

را با چادر به دامن بگیرد تا برای فرزند یتیمش در منزل ببرد، گله و شکایت می‌شود (National Documents Organization of Iran, 310/16833).

پس از رفتن رضاخان از ایران، در گزارش‌های متعددی به رواج گسترده استفاده از چادر نماز یا چادر سیاه و در نتیجه شکست قانون کشف حجاب در سراسر کشور اشاره شده است. در بخشنامه‌ای که در بهمن ۱۳۳۰ از سوی وزارت کشور خطاب به همه فرمانداری‌ها از جمله گیلان صادر شده، آمده است:

«با وجود اینکه متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در تمام کشور عملی شده است، معذک طبق گزارش‌های رسیده از شهرستان‌ها غالباً در کوچه و بازار زن‌ها با چادر و گاهی هم با چادر سیاه دیده می‌شوند» (Jafari, 1992: 400).

۵. نتیجه‌گیری

سیاست کشف حجاب از اقدامات مهم دولت پهلوی در جهت تغییر اجتماعی به‌شمار می‌رود که با ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی همساز نبود؛ بنابراین واکنش منفی بسیاری از گروه‌های اجتماعی را به دنبال داشت. تغییرات مدنظر از سوی کارگزاران تغییر اگر به‌صورت برنامه‌ریزی شده و از سوی نهاد قدرتمند دولت اعمال شود، در صورتی که با فرهنگ و باورهای مذهبی جامعه مغایر باشد، با موانع فرهنگی، اجتماعی و روانی و اقتصادی متعددی روبه‌رو می‌شود. در بسیاری از شهرهای ایران، اعتراضاتی به این سیاست اجباری و مغایر با ارزش‌های دینی و سنتی صورت گرفت. شواهد تاریخی حاکی از آن است که اغلب زنان گیلانی به‌رغم همه فشارها و اجبار دولت پهلوی، حجاب خود را حفظ کردند و در برابر این سیاست خشن و اجباری حکومت از خود مقاومت نشان دادند. گزارش‌های متعددی حاکی از آن است که اغلب علمای شاخص گیلان با سیاست کشف حجاب پهلوی اعلام مخالفت کردند و متحمل محرومیت، تبعید و شکنجه شدند.

نتایج برخی از پژوهش‌های مشابه که با هدف توصیف واکنش جامعه گیلانی به قانون کشف حجاب صورت پذیرفته، حاکی از فراهم‌بودن بستر و زمینه پذیرش عمومی جهت رواج بی‌حجابی و عدم مقاومت مردم گیلان در برابر این قانون است. نتایج این مقاله، یافته‌های پژوهش پناهی و حنیفه (۱۴۰۱) مبنی بر عدم مقاومت چشمگیر مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب را رد می‌کند؛ چرا که به‌نظر می‌رسد این دست از پژوهش‌ها بدون توجه به دیگر مستندات تاریخی و صرفاً با اتکا بر برخی گزارش‌های حکومتی به‌ویژه گزارش حکومت گیلان به دولت مرکزی که اغلب با هدف بیان توفیقات نماینده حکومت در گیلان و طولش در زمینه ترویج طرح کشف حجاب در گیلان تهیه شد،

به نتایجی دست یافتند که با واقعیت‌های تاریخی و چگونگی واکنش مردم مطابقت ندارد. از دیگر نقدهایی که به پژوهش‌های قبلی وارد است، اینکه این دست پژوهش‌ها از توجه به اسناد مربوط به کشف حجاب در دوره پهلوی دوم غفلت ورزیده‌اند. حال آنکه اسناد زیادی از این دوره گویای این حقیقت است که پس از شهریور ۱۳۲۰ و به موازات رهایی جامعه از شرایط خفقان دوره رضاشاه، واکنش‌ها به کشف حجاب در فضایی نسبتاً آزادتر در مقایسه با فضای خفقان حکومت رضاشاه، از سوی مردم مطرح و پیگیری می‌شد. رواج استفاده از چادر و حجاب در اغلب مناطق ایران از جمله گیلان در این دوره و تصریح دولت به شکست و ناکامی سیاست اجبار پهلوی در زمینه کشف حجاب نشان می‌دهد مردم و جامعه ایرانی علی‌رغم همه فشارها و اجبار حکومت پهلوی پذیرای قانون کشف حجاب نبودند و در این زمینه مقاومت نشان دادند.

پیشتازی برخی علمای گیلانی در زمینه نشر آثاری با مضامین ترویج حجاب و عفاف و مخالفت با سیاست کشف حجاب، و برخورد خشن حکومت وقت با آنان، سرودن اشعاری در نکوهش بی‌حجابی و ستایش حجاب توسط شاعران گیلانی، گزارش‌های شهربانی گیلان از توقیف و ضبط تعداد بسیار زیادی از چادرهای زنان توسط مأموران حکومتی و دستور سوزاندن آن‌ها و نیز گزارش‌ها از استفاده زنان گیلانی از چادر و روسری در فضاهای عمومی و خیابان‌ها به‌رغم فشار حکومتی و حجم شکایت‌ها و اعتراضات عمومی مردم گیلان به رفتار خشن و توهین‌آمیز مأموران شهربانی، گواهی بر مقاومت مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب و عدم پذیرش این طرح ناهمساز با فرهنگ و هویت جامعه ایرانی است.

۶. تعارض منافع

این مقاله هیچ گونه تعارض منافی ندارد.

References

- Abdullahi, M. (2016). Tomar Efat, Ayatollah Sheikh Yusuf Jilani and dealing with the discovery of Reza Khan's hijab. *Quarterly 15 Khordad*, 54(15), 225-263. (In Persian)
- Adhamnejad, M. (2006). *Stars of the Haram: Akhtaran Hareem Masoumeh*. Qom: Zair Publications. (In Persian)
- Afshar, M. (1974). *Literary Speech Book II: Poem*. Tehran: Literary & Historical Publications Collection. (In Persian)

- Alborz newspaper. (1928). Mirza Shokrullah Khan, organ of the state committee of the Democratic Party of Iran. (In Persian)
- Azimi, N. (2019). *The history of Gilan, from the rise of Sardar Sepeh to the fall of Reza Shah*. Rasht: Farhang Ilia. (In Persian)
- Ehsanbakhsh, S. (2006). *Sadegh's Memoirs*. Rasht: Sadeghin Publishing. (In Persian)
- Foster, G. M. (1999). *Traditional societies and technical changes*. Translated by: S. M. Soraya and Zh. Rastani. Tehran: Fara Ketab.
- Historical Document Review Center of the Ministry of Information. (2010). *Islamic Revolution according to Savak Documents (Guilan Province)*. Tehran: Historical Document Review Center. (In Persian)
- Ismaili, A. (2009). *Memoirs of Hojjat-ul-Islam Jafar Shajuni*. Tehran: Islamic Revolution Records Center. (In Persian)
- Jafari, M. (1992). *The Hijab discovery event*. Tehran: Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution. (In Persian)
- Jafarian, R. (2010). *The Hijab Letters: Sixty years of scientific efforts against the heresy of discovering the hijab*. Qom: Dalil Ma. (In Persian)
- Jamshidi, Gh., & Najafian Razavi, L. (2013). Different ways of Iranian people's resistance against the government order to remove the hijab during the first period of Pahlavi. *Women in Culture and Art*, 3(2), 37-56. (In Persian)
- Javadi Yeganeh, M., & Abbasi, A. (2010). *Planned social changes*. Tehran: General Directorate of Audio Research and Development. (In Persian)
- Memoir of Hazrat Allameh Ayatollah Haj Seyyed Mohammad Hossein Hosseini Tehrani. (2011). *Ayat Noor*. Mashhad: Allameh Tabatabai Publications. (In Persian)
- Ministry of Information Historical Documents Review Center. (2006). *Changing clothes and uncovering hijab according to documents*. Tehran: Ministry of Information Historical Documents Review Center. (In Persian)
- Najafi Jilani, Y. (1928). *Wasila Al-Afaif or Tomar Efat*. Rasht: Ferdous Press. (In Persian)
- National Documents Organization of Iran, document number: 310/16833 & 108/293 & 82335/298 & 310/18494.

- Organization of National Documents and Documents of Iran. (1992). *Violence and culture, secret documents of Kashf Hijab*. Tehran: Organization of National Documents and Documents of Iran. (In Persian)
- Panahi, A., & Hanifeh, M. (2022). The actions and reactions of the people of Gilan against the implementation of the law on the association of clothing and the discovery of hijab (a case study of the cities of Rasht, Lahijan and Bandar Pahlavi). *Historical Essays*, 1(13), 81-101. <https://doi.org/10.30465/HCS.2022.41567.2635>. (In Persian)
- Parvash newspaper, place of publication. (1925). *managed by Mir Ahmad Madani*. (In Persian)
- Peik Saadat Nesvan (1903). *Second round*, number two, Rasht printing. (In Persian)
- Rastgoo, M. (2008). Poetic struggle in the battle of uncovering hijab. *Zamaneh*, 75-76, 27-32. (In Persian)
- Salah, M. (2004). *Discovering the hijab, contexts, reactions and consequences*. Tehran: Institute of Political Studies and Research. (In Persian)
- Shams Gilani, H. (1948). *History of scholars and poets of Gilani*. Tehran: bookstore and printing house of knowledge. (In Persian)
- Vakili, H. (2016). *Proceedings of Goharshad Uprising National Conference*. Mashhad: the smell of the city of heaven. (In Persian)
- Zandiyeh, H., & Esrafilian M. (2019). The discovery of hijab in Estrabad state (reactions and consequences). *Women's Research Journal*, 4(11), 36-66. <https://orcid.org/10.30465/WS.2021.25568.2668> (In Persian)
- Zandiyeh, H., & Esrafilian, M. (2019). The role of the freedom-loving women of Gilan in the transition from tradition to modernity. *In the collection of articles of the national conference of Gilan in the scope of the Qajar era*. Edited by: A. Panahi. Qom: A Lasting Legacy. (In Persian)